حاشیه – متن

تیراژ واقعی مطبوعات در کشور چه قدر است؟

خبرگزاری ایسنا دیروز نوشت: یک مسوُول وزارت ارشاد در سال ۸۸ مجموع تیراژ روزنامه های کل کشور را روزانه بین ۳ تا ۴ میلیون نسخه عنوان کرد.

این آمار زمانی مطرح شد که در مجموع ۶۵ روزنامه مجوزدار منتشر می شدند.

آماری رسمی درباره وضعیت تیراژ مطبوعات در کشور در سال جاری از سوی مراجع ذی صلاح اعلام نشده است، اما معاون امور مطبوعاتی وزارت ارشاد اخیراً درباره وضعیت تیراژ روزنامه ها گفت: در حال حاضر تیراژ برخی روزنامه های کشور به ۳۰۰ تا ۳۵۰ هزار نسخه می رسد که گاهی این تیراژ به واسطه برخی ویژه نامه ها بالاتر نیز می رود. در هر حال در یک کار تحقیقی صورت گرفته با بررسی ۲۰ روزنامه از طیف ها و گرایش مختلف مشخص شد که در طی دو سال، این روزنامه ها ۲۸ هزار تیتر منفی داشته اند. نکته جالب این بود که مطبوعاتی ها، فقط در تولید ۲۲ درصد این تعداد تیتر نقش داشتند و مابقی متعلق به گویندگان مختلف بوده که در فضای سیاسی به مطبوعات کشور تحمیل شده بود.

ارگ بم از «میراث در خطر یونسکو» خارج می شود

مدیر پایگاه های ثبت جهانی گفت: با تخریب پمپ بنزین و شهرک مسکونی در منظر ارگ تاریخی بم، این اثر تاریخی در اجلاس بعدی یونسکو از فهرست میراث در خطر جهانی خارج می شود.

پرویز سعادتی در گفتگو با فارس اظهار داشت: حدود ۴ ماه پیش کارشناسانی از یونسکو برای بازدید از ارگ تاریخی بم به ایران آمدند که اعلام کردند ارگ تاریخی بم از نظر مرمتی هیچگونه مشکلی ندارد اما منظر آن ایراد دارد به همین دلیل از فهرست میراث در خطر جهانی خارج نمی شود.

مدیر پایگاه های ثبت جهانی اعلام کرد: بار فع اشکالات بازرسان یونسکو، در اجلاس آینده یونسکو که سال آینده برگزار خواهد شد، ارگ تاریخی بم از میراث در خطر جهانی خارج می شود.

بانک «دانشگاه آزاد اسلامی» ایجاد می شود

رئیس منتخب دانشگاه آزاد اسلامی با اشاره به تغییر در روند دریافت شهریه دانشجویان این دانشگاه گفت: با ایجاد بانک دانشگاه آزاد اسلامی و گردش مالی، شهریه ها تا دو سال آینده ۲۰ درصد کاهش می یابد. فرهاد دانشجو در گفتگو با مهر به تشریح برخی جزییات نحوه کاهش شهریه و تأمین منابع دیگر مالی در دانشگاه آزاد پرداخت و افزود: به منظور ایجاد مدیریت مالی، یک تیم متشکل از متخصصین اقتصادی باید نحوه ایجاد منابع مالی را بررسی کنند که در حال حاضر این تیم را به صورت جزیی در خصوص ایجاد «بانک دانشگاه آزاد اسلامی» به کار گماردم. تیم مذکور در حال بررسی نحوه سرمایه گذاری یک هزار و ۴۰۰ میلیارد تومان در این بانک است که هر سال از شهریه دانشجویان تأمین می شود.

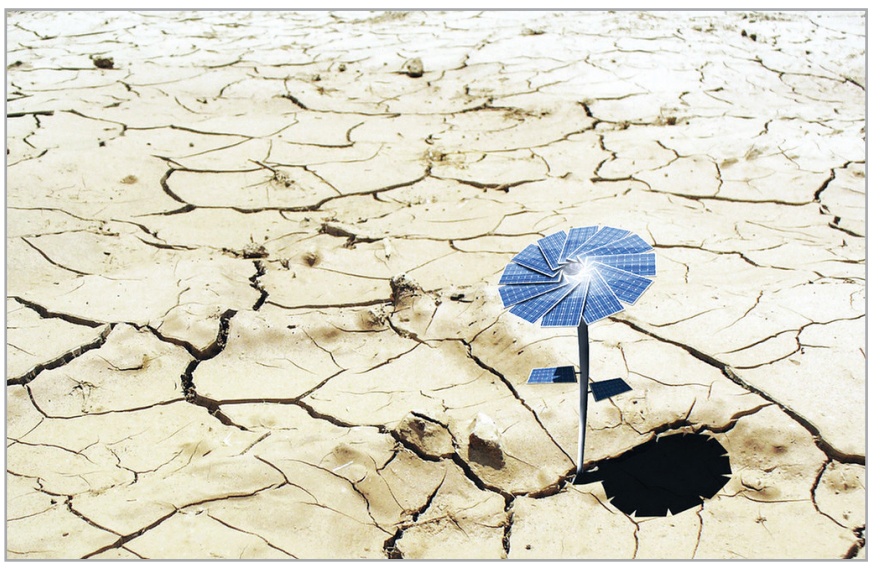

استاد رضا منصوری در گفتگو با قدس:

عزم ملی برای توسعه علم در ایران وجود ندارد

اعظم طیرانی: هنگامی که سخن از تولید علم به میان می آید، شکل گیری زنجیره تجاری سازی آن نیز مطرح می شود تا به کمک آن بتوان علم را به خدمت گرفت و به ثروت تبدیل کرد؛ چون این ثروت است که فرصتهای برابری و رفاه را برای جامعه فراهم می آورد و هر کسی عادلانه می تواند از امکاناتی که علم در اختیار او می گذارد، بهره مند شود و خود را به کمال برساند.

البته ما هنوز تعریف روشنی از توسعه علمی نداریم، به گونه ای که برخی توسعه علمی را با صنعتی شدن و توسعه کارخانجات اشتباه می گیرند، در حالی که جامعه شناسان علم معتقدند، توسعه علمی در سایه حمایت اجتماعی اتفاق می افتد، یعنی هرچه بیشتر برای مصرف علم تلاش کنیم، بر تولید آن افزوده می شود به تولید ثروت منجر خواهد شد.

در گفتگویی که پیش رو دارید، دکتر رضا منصوری؛ استاد دانشگاه صنعتی شریف و مجری طرح رصدخانه ملی ایران به بررسی جایگاه «تولیدعلم وتبدیل آن به ثروت» پرداخته است، که تقدیم می شود.

***آقای دکتر !به نظر شمامهمترین موانع توسعه علمی ایران کدامند؟**

** این مسأله در ۲۰ سال گذشته حداقل طی سه نوبت در«شورای پژوهشهای علمی ایران» (که دوره سوم آن از سال ۱۳۶۹ آغاز شد و در سال ۱۳۸۰ پایان یافت) در «شورای عطف» و گاهی هم در "فرهنگستان علوم "مطرح شده است. وقتی به این سابقه نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد فهرستهای بلند بالایی طی ۲۰ سال گذشته به عنوان موانع توسع ?علمی ایران منتشر شده است. من در اینجا مایلم مستقل از این فهرستهای طولانی چند مانع بنیادی را ذکر کنم.

آنچه امروز بشدت در زمینه توسعه علمی ایران خلل ایجاد می کند، این است که ما هنوز از علم یک تصور خام داریم و علم را آن گونه که باید نشناخته ایم. مانع دیگر این است که عزم ملی برای توسعه علم در ایران وجود ندارد و در نهایت اینکه هنوز ساز و کار سیاستگذاری علم را نمی شناسیم.

به اعتقاد من وقتی کشوری مثل ایران در این شرایط تاریخی قرار گرفته و در مفهوم علم و پژوهش و همچنین ارتباط آن با توسعه علمی، صنعتی و اقتصادی مشکل دارد، نمی تواند به سهولت با این مفهوم که منظور از«توسعه علمی»، «علم» وهمچنین «صنعت» چیست؟ کنار بیاید.

بنابراین اگر بخواهیم تنها به عوامل ثانویه (نظیر اینکه در ایران کار گروهی بلد نیستیم، کارهای پژوهشی انجام نمی شود، یا اینکه چون صنایع ما صنایع وابسته به خارج یا صنایع مونتاژ است، تحقیقات به خوبی انجام نمی شود) بپردازیم، راه به جایی نمی بریم. از این رو، اگر بخواهیم به عوامل بنیادی و اولیه توجه کنیم، باید در نظر داشته باشیم که ما با مفهوم «علم»، «توسعه» و«نقش علم در اقتصاد» مشکل داریم و دوم اینکه متوجه نشده ایم، «روش اجرا» مهمتر از ارائه راه حل برای رفع این مشکل است؛ زیرا ما در اجرای تصمیماتمان بسیار ضعیف هستیم، ضمن اینکه اگر به دوران پس از انقلاب نگاه کنیم، دایماً در خصوص چگونگی توسعه علمی کشور تصمیم گیری کرده ایم، و قانونهای پنج ساله و قوانین سالیانه در مجلس و دولت تصویب کرده ایم، اما طی این ۲۵ سال بدون استثنا در اجرای همه آنها مشکل داشته ایم، بنابراین باید گفت، ضعف در اجرای تصمیمات اولین مانع برای توسعه علمی کشور محسوب می شود.

درحالی که حتی اگر تصمیم های ما به معنای سیاستگذاری اشتباه باشد، طی اجرا تصحیح خواهد شد. به این ترتیب آنقدر که اجرای تصمیم گیریها حایز اهمیت است، نوع آن مهم نیست. این مساله، مستقل از اینکه چرا و چگونه برویم سراغ موارد ثانویه (کمبود بودجه پژوهش، کمبود قرارداد با بخش صنعت، ضعف ارتباط صنایع با دانشگاه ها و اینکه اقتصاد ما مبتنی بردانش نیست)، یکی از مهمترین موانع رشد وتوسعه علمی کشور است؛ زیرا ما هنوز تکلیفمان را با علم، صنعت وفناوری روشن نکرده ایم و در اجرای تصمیمات بسیار ضعیف عمل می کنیم.

*** شما در بخشی از صحبتهایتان به صنعتی نشدن و توسعه نیافتن کارخانجات به عنوان موانع ثانویه توسعه علم در کشور اشاره کردید، آیا توسعه علم به مفهوم صنعتی شدن و توسعه کارخانجات است؟**

** خیر؛ توسعه علم معنای دیگری دارد، اما آنچه مسلم است، توسعه علم بدون توسعه صنعت وتوسعه فرهنگ امکان پذیر نیست و به بیراهه خواهد رفت. توسعه در مفهوم عام چند جنبه ای محسوب می شود، به گونه ای که توسعه اقتصادی و صنعتی مستقل از توسعه علمی نیست و در پی توسعه علمی توسعه صنعتی واقتصادی محقق خواهد شد، نمونه های آن در ۵۰ سال گذشته گواه این مساله است. به عنوان مثال شوروی سابق در زمینه های علمی و صنایع نظامی توسعه یافته بود، اما چون در زمینه های فرهنگی و اقتصادی و مفاهیم سیاسی رشد نکرده بود، در نهایت متلاشی و به مجموعه کشورهای شوروی سابق تبدیل شد.

بنابراین نمی توان گفت، توسعه علمی مستقل از توسعه فناوری، فرهنگی، صنعتی، سیاسی یا اقتصادی است؛ چون به طور حتم تمام این موارد به رغم داشتن مفاهیم مستقل با هم در ارتباط است و توسعه هیچ یک از این حوزه ها بدون تحقق توسعه سایر حوزه ها موثر نخواهد شد.

*** شما در صحبتهایتان به تبیین برنامه های و تصمیم گیریهای چند ساله اشاره کردید، نظرتان در خصوص ساز و کارهای سیاستگذاری در ایران چیست؟**

** ما تا سال ۱۳۸۰ نهاد سیاستگذاری علمی با عنوان«شورای پژوهشهای علمی ایران» داشتیم که پیش از انقلاب اسلامی تأسیس شده بود و از دهه ۶۰ تا سال ۱۳۶۹ فعال بود و پس از سال ۱۳۶۹ طبق اساسنامه جدید فعالیت آن ادامه یافت که معمولاً آن را دوره سوم «شورای پژوهشهای علمی ایران» به حساب می آوریم و از آنجا که طی این دوره ایران به یادگیری سیاستگذاری علمی پرداخته و برمبنای تجربیات داخل کشور وهمچنین مفهوم سازی بومی وتجربیات بین المللی توانسته بود در راستای سیاستگذاری و اجرای تصمیمات مرتبط با سیاستگذاری علمی گام بردارد، دوره بسیار پرباری برای کشور بود، اما پس از آن این شورا به دلایلی تعطیل شد. به دنبال آن و با تأسیس «شورای علوم تحقیقات و فناوری» مسوُولیت سیاستگذاری علم و فناوری به این شورا واگذار گردید.

از سال ۱۳۸۴ تاکنون نیز «شورای عطف» با برگزاری تنها دو یا سه جلسه، البته جلسات بیشتر کمیسیونهای آن، به تجربیات پر بار دوره سوم «شورای پژوه علمی ایران» و تجربه ۲۰ سال سیاستگذاری علمی در گذشته بی توجهی کرده است. گویی با «شورای عطف» سیاستگذاری علمی در ایران تازه شروع به کارکرده است که این مسأله نشان می دهد، ما هنوز ساز وکار سیاستگذاری را یاد نگرفته وتجربیاتی که از ابتدای انقلاب کسب کرده را به فراموشی سپرده ایم.

با این حال به رغم اینکه من از این بابت بسیار نگرانم امیدوارم حداقل شورای عطف و کمیسیونهای فعال آن تعطیل نشود؛ چون معتقدم اگر این قبیل نهادها تعطیل نشود واستمرار در فعالیت داشته باشند حتی در صورت بروز اشتباه، بازهم راه خود را در آینده پیداخواهند کرد. ساز وکار سیاستگذاری علمی در دنیای مدرن بسیار پیچیده است وتنها به واسطه کارهای وسیع در زمینه های مختلف، و توجه به تجربیات گرانبها درسطح دنیا وهمچنین ایران می توان موفق شد. اما متاسفانه «شورای عطف» نه تنها به تجربیات بین المللی، بلکه به تجربیات داخل کشور نیز کم توجه است، گویی عصر جدیدی را آغاز کرده ایم که به طور حتم به دلیل بی توجهی به تجربیات قبلی ضرر خواهیم کرد.

البته باید گفت، در معاونت علمی ریاست جمهوری به رغم اینکه سیاستگذاری به معنای عام انجام نمی شود، اما برنامه های مشخصی را به طور منظم پیگیری می شود، با عنوان برنامه های ملی؛ جای امیدواری است که در بخشی از کشور به پژوهشهای موردی ازجمله پروژه های کلان ملی توجه می شود و با جدیت پیگیری می شود که به طور حتم تأثیر آن را طی سالهای آینده خواهیم دید.

*** اصلاً چه موانعی در راه «تولید علم» در کشور وجود دارد که به دلیل وجود آنها نمی توان علم را به "ثروت "تبدیل کرد؟**

** اگر بخواهیم به مفهوم علم به صورت خاص به عنوان کاری که یک دانش پیشه ویک اهل علم که حرفه او دانشگری

است (نه دانشمند که یک مفهوم قدیمی است) انجام می دهد توجه کنیم، در می یابیم او نیز در کار خود موانعی می بیند که تعدیل شده مانع اصلی است که قبلاً مطرح شده، است. بنابراین اگر بخواهم در سطح پژوهشهای فردی صحبت کنم باید بگویم مهمترین مانعی که برای اغلب پژوهشگران بخشهای مختلف پژوهشی و دانشگاهی کشور می توان مطرح کرد، این است که آینده ای برای کار پژوهشی خود نمی بینند؛ یعنی نمی دانند اگر در یک رشته پژوهشی کار کنند، آیا به موقع نیازهای پژوهشی آنان تأمین می شود؟ آیا قولهایی که نهاد مربوطه (از جمله گروه تحقیقاتی یا پژوهشکده دانشگاهی، خصوصی یا یک بخش اجرایی دولت) در خصوص بودجه پژوهش به آنها می دهند، به موقع محقق خواهد شد؟ و سایر مواردی که محقق نشدن آنها در روند منظم پژوهش نقش دارد، عواملی محسوب می شوند که پژوهشگران را ازانجام کارهای پژوهشی باز می دارد، به این ترتیب با توجه به اینکه برنامه ریزی برای کار پژوهشی بسیار سخت و پیچیده است، اگر پژوهشگر ما نتواند کار مستقل از محیط اطراف و به طور شخصی انجام دهد، دچار محدودیت پژوهشی خواهد شد و این مسأله یکی ازموانع تولید علم در کشوررا رقم می زند.

***آقای دکتر !آیا موردی که به آن اشاره کردید، می توان عاملی محدود کننده برای تولید علم و تبدیل آن به ثروت عنوان کرد؟**

**بله قطعا همین طور خواهد بود. زمانی که پژوهشگر، نهاد پژوهشی یا در سطح کلان آن دولت، نتواند برای پژوهش برنامه ریزی و روی آن حساب کند، به طور حتم نمی تواند به فکر توسعه صنعتی وتولید ثروت باشد و اغلب پژوهشها از جنس پژوهشهای کتابخانه ای و درنهایت منجر به تولید مقاله می شود که نمی تواند نقشی درتولید ثروت داشته باشد. به اعتقاد من تولید ثروت ازعلم کار بسیار پیچیده ای است که ما هنوز آن را نیاموخته ایم، درحالی که کشورهای صنعتی، آن را آموخته و به راحتی می توانند از نتایج علمی خود وسایر کشورها در راستای تولید ثروت بهره مند شوند.

***به چاپ مقاله های علمی اشاره کردید و اینکه نمی تواند منجر به تولید ثروت شود، آیا چاپ مقاله های "ISI "می تواند بیانگر تولید علم در کشور باشد؟**

** بله برخلاف نقدهای مختلفی که در این خصوص مطرح است، چاپ این مقاله ها می تواند منجر به تولید علم شود، اما تنها شاخص تولید علم نیست.

*** به عنوان یک استاد باتجربه که سالها سابقه کار و پژوهش در دانشگاه ها و رصدخانه ملی ایران را دارید، توسعه علمی جهان را طی سالهای گذشته چگونه ارزیابی می کنید؟**

** طی سه دهه گذشته؛ یعنی از زمان فروپاشی شوروی و پس از آن، مقدار زیادی از هزینه هایی که در ارتباط با تحقیقات و توسعه نظامی بود، به سمت تحقیقات و تولیدات غیر نظامی وهمچنین پژوهشها وتحقیقاتی که تا حدودی غیر نظامی بودند، هدایت شد که نتایج آنها نیزرشد تحقیقات وتولیدات غیر نظامی بوده است.

ورود رایانه های شخصی به دست پژوهشگران نیز یکی دیگر از مواردی بود که طی سالهای گذشته منجر به توسعه علمی جهان شده است، به گونه ای که ازدهه ۸۰ میلادی (۳۰ سال پیش) رشد علم بسیار سریع بوده است. ازیک رشد صنعت رایانه شخصی و از سوی دیگر اینکه تحقیقات نظامی که پس از فروپاشی شوروی به سوی تولید ثروت غیر نظامی هدایت شد موجب رشد، سریع و حرکت سرمایه به سمت پژوهش شد. طی دوسال اخیر که وضع اقتصادی دنیا کمی متلاطم شده، ممکن است به نظر برسد بودجه های پژوهش کمتر به سوی علم و پژوهش هدایت می شود. البته به رغم اینکه تاکنون تغییری در این خصوص ایجاد نشده، پیش بینی می شود طی دو سال آینده این روند متفاوت شود.

همچنین طی ۳۰ سال اخیر دنیا تحولات علمی متعددی را تجربه کرده است. در این مدت دنیا از یک تحول علمی عظیم در زمینه های مختلف از تلسکوپهای فضایی گرفته تا ژنوم انسانی برخورداربوده است که البته این موفقیتها با صرف هزینه های پژوهشی از مرتبه بزرگی ۱۰ میلیارد دلار یا یورو حاصل شده است ضمن اینکه برای ۱۰ تا ۲۰ سال آینده نیز چنین پروژه هایی درکشورهای صنعتی تعریف شده است که البته ادامه آن تا حدود زیادی به اوضاع اقتصادی جهان بستگی دارد.

***آقای دکتر !نظام پژوهشی دارای چه ابعادی است وبرای بهبود آن چه باید کرد؟**

**به اعتقاد من علم مدرنی که پژوهش یکی از مولفه های اصلی آن محسوب می شود، مبتنی است بر دو مفهوم اساسی «اجتماع علمی» و «گفتمان علمی»(گفتگویی که که در فلسفه علوم اجتماعی مطرح می شود) و با علمی که در قرنهای پنجم و ششم هجری؛ یعنی دوران آل بویه زمانی که دانشمندانی نظیر فارابی، ابوریحان بیرونی و ابن سینا ظهور کرده اند، تفاوت هویتی دارد که ما هنوز آن را درک نکرده ایم.

امروزه برگزاری همایشها وگفتگوهای علمی در رشد علم بسیار تأثیر گذار است؛ چون منجر به انتشار نتایج کارهای گروهی ای می شود که ممکن است چندین پژوهشگر سالها در آن خصوص کار کرده اند و ازطریق «اجتماعهای علمی» تجربیات و نتایج تحقیقاتی خود را با هدف توسعه علم در اختیار دیگران قرار می دهند. اما متاسفانه ما هنوز مفاهیم «اجتماع وگفتمان علمی» را آن گونه که باید فرا نگرفته ایم و نمی دانیم این مفاهیم چه نتایج ارزشمندی به همراه دارد، در حالی که در کشورهای صنعتی این مفاهیم با نظریه پردازی به منابع علمی تبدیل شده است؛ منابعی که هم اکنون به عنوان مدیریت فناوری در دانشگاه ها، از جمله در ایران تدریس می شود و مبنای نظامهای توسع ?فناوری کشورها تلقی می گردد.

به اعتقاد من لازم است این مفاهیم تبدیل به راهکارهایی شود که بتوان آنها را وارد نظام اداری کشور کرد و کارشناسانی برای بخشهای اداری کشور پرورش داد که این نظام پژوهشی اداری را به قراردادها و راهکارهای اداری تبدیل کنند تا از آن طریق بودجه های پژوهشی به سهولت بیشتری به دست پژوهشگران برسد؛ یا سازوکارهایی در این نظام ایجاد کنند تا بخش صنعت ترغیب به یاری پژوهشگران شود. در این صورت به طور حتم استفاده از نتایج پژوهشها، دستیابی به تولید ثروت را رقم خواهد زد.

*** با توجه به آنچه اشاره کردید، وضعیت رشد علمی کشور را چگونه ارزیابی می کنید؟**

** این مهم را در چند سطح باید بررسی کرد. باید دید آیا پژوهشگران ما برای رشد علمی خود تلاش می کنند، که به طور حتم همین طور است؛ چون با توجه به اتفاقاتی که طی دهه های ۶۰ تا ۸۰ در کشور افتاده، پژوهشگران ما در سطوح مختلف متوجه شده اند باید پژوهشهای خود را به کلام مکتوب یعنی مقاله تبدیل کنند وهمواره این اتفاق افتاده است، اما همان طور که قبلاً عنوان شد، باید به اجرای سیاستگذاریها که در رشد وتوسعه علمی بسیار حایز اهمیت است توجه ویژه داشته باشیم بنابراین باید گفت، به طور حتم ایران به لحاظ علمی در حال رشد است ودر آن شکی نیست، اما این رشد درحدی نیست که در دهه ۶۰ آغاز شود و تا دهه ۷۰ و ۸۰ ادامه یافت. اکنون به نظر می رسد، ما مشکلاتی داریم که اگرآنها را اصلاح نکنیم ۱۰ سال دیگر تاسف خواهیم خورد که چه موقعیتها وشرایط ایده آلی را از دست داده ایم. ازاین رو، باید مولفه های مختلف این مهم را بررسی کرد تا نقاط ضعف و رشد علمی کشور مشخص شود.